

ORIGINAL ARTICLE

A Comparative Study of the Opinions of Shiite and Sunni Commentators on the Meaning and Example of Abandonment "Asr" and "Aghlal" by the Holy Prophet of Islam (PBUH) in verse 157 of Surah A'raf

Ali Mohammadi Ashnani^{1*}, Fatemeh Esbaqi², Robabe Azizi³ 

1. Assistant Professor of Quranic Sciences and Education University, Tehran, Iran.
2. Ph.D researcher (level 4) Kausar Higher Complex, Tehran, Iran.
3. MA Master of Holy Quran University of Science and Education, Tehran, Iran.

Correspondence:
Ali Mohammadi Ashnani
Email:
dr.mohammadi.quran@gmail.com

Received: 16 Feb 2020
Accepted: 14 Aug 2022

How to cite

Mohammadi Ashnani, A., Esbaqi, F & Azizi, R. (2023). A Comparative Study of the Opinions of Shiite and Sunni Commentators on the Meaning and Example of Abandonment "Asr" and "Aghlal" by the Holy Prophet of Islam (PBUH) in verse 157 of Surah A'raf. Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 12(1), 105-116. (DOI:10.30473/quran.2024.55672.2856)

ABSTRACT

One of the characteristics of the Holy Prophet (PBUH) in the Holy Qur'an is the subjugation of "isr" and "aghalal": The present study, in a descriptive-comparative manner, deals with the morphological-syntactic role of the words "Asr" and "Aghlal", semantics based on companionship relations, and then expresses the views of the commentators of the two sects. The findings of this study indicate that semantically, the word "asr" has a kind of weight and weight with it and the word "aghal" has four meanings: 1- esoteric-internal chains, 2- shackles and external chains 3- heavy tasks 4 - It is an allusion to power and restraint. In Shiite commentaries, the word "urgency" has two meanings, "heavy burdens" and "special sin" meaning ignorance of the Imam, but Sunni commentaries have considered it only to mean "heavy burdens of the Jewish people". This meaning is confirmed by the evidence inside and outside the text. Also, Shiite commentators explain the word "aghal" in five meanings: a) "hard duties" b) lack of understanding and understanding of blessings, heretical affairs and interpretation by opinion, c) assignments and various exams of the children of Israel and f) "chains of air and desires" Knowledge; However, all Sunni interpretations have made it mean that "the same hard tasks are chained", which in the opinion of the authors is not compatible with the principle of economics of word usage, non-repetition and the need to pay attention to semantic differences and instances of insistence.

KEYWORDS

Age, Aghlal, Semantics, Interpretations of the two sects, Meaning and example.



«مقاله پژوهشی»

بررسی تطبیقی آرای مفسران فریقین در مورد معنا و مصداق فروگذاری «إصر» و «أغلل» توسط پیامبر گرامی اسلام(ص) در آیه ۱۵۷ سوره اعراف

علی محمدی آشنانی^۱، فاطمه اسبقی^۲، ربابه عزیزی^۳ 

چکیده

یکی از ویژگی‌های پیامبر گرامی(ص) در قرآن کریم فرونهادن «إصر» و «أغلل» می‌باشد: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/ ۱۵۷) که مفسران، درباره معنا و مصداق آیه، آرای گوناگونی ابراز کرده‌اند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی- تطبیقی، به نقش صرفی- نحوی واژگان «إصر» و «أغلل»، معناشناسی براساس روابط همنشینی و سپس به بیان دیدگاه‌های مفسران فریقین پرداخته است. یافته‌های این پژوهش، نشانگر آن است که از نظر معناشناسی، واژه «إصر» به همراه خود نوعی سنگینی و ثقل دارد و واژه «أغلل» دارای چهار معنای: ۱- زنجیرهای باطنی-درونی، ۲- غل و زنجیرهای ظاهری ۳- تکالیف سنگین ۴- کنایه از قدرت و امساک است. در تفاسیر شیعه، برای واژه «إصر» دو معنای «سنگینی تکالیف مشقت‌بار» و «گناه خاص» به معنای عدم معرفت امام، ذکر شده است، ولی تفاسیر اهل سنت، آن را فقط به معنی «سنگینی تکالیف مشقت‌بار قوم یهود» دانسته‌اند. این معنای، مورد اتفاق راه شواهد درون و برون‌متنی، تأیید می‌کند. همچنین مفسران شیعه در تبیین واژه «أغلل» به پنج معنای الف) «تکالیف شاقه» ب) عدم فهم و درک فیوضات، امور بدعت‌گون و تفسیر به رأی، ج) تکالیف و امتحانات زنجیرگون بنی‌اسرائیل و د) «زنجیر هوا و هوس‌ها» دانسته؛ ولی همه تفاسیر اهل سنت، آن را نیز به معنای «زنجیرگون بودن همان تکالیف شاقه» شتاسانده‌اند که به نظر نگارندگان با اصل اقتصاد کاربرد واژگان، عدم تکرار و لزوم توجه به تفاوت معنایی و مصداقی اصر و اغلال، سازگار نیست.

واژه‌های کلیدی

إصر، أغلل، معناشناسی، همنشینی، تفاسیر فریقین، معنا و مصداق.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.
۲. دانش‌پژوه دکتری(سطح ۴) مجتمع عالی کوثر، تهران، ایران.
۳. کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

علی محمدی آشنانی
رایانامه:

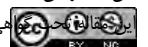
dr.mohammadi.quran@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

استناد به این مقاله:

محمدی آشنانی، علی؛ اسبقی، فاطمه و عزیزی، ربابه (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی آرای مفسران فریقین در مورد معنا و مصداق فروگذاری «إصر» و «أغلل» توسط پیامبر گرامی اسلام(ص) در آیه ۱۵۷ سوره اعراف. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۲(۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
(DOI:10.30473/quran.2024.55672.2856)



بیان مسئله

دریافت معنای دقیق و مصداق یا مصادیق واژگان و مفردات قرآن کریم و کشف مراد خداوند متعال، همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده و همچنان هست؛ بدین‌رو ریشه‌شناسی، شناخت مبدأ اشتقاق، صرف‌شناسی، بررسی سیر تطور معنایی واژه، توجه به نقش نحوی و جایگاهی که واژه در آن قرار گرفته، توجه به سیاق آیات، شأن نزول و بافت زبانی آن در تبیین معنا، مراد و مقصود آیات قرآن کریم، از اهمیت خاصی برخوردار است. اما در برخی مواقع، وجود مبانی فکری متفاوت و تفاوت در پیش‌فرض‌ها، میزان تخصص در علم تفسیر، جهان‌بینی و روشی که مفسران استفاده می‌کنند موجب می‌شود که در تبیین و تفسیر واژگان قرآنی نتایج متفاوتی حاصل شود. یکی از آیات مورد بحث، آیه ۱۵۷ سوره اعراف است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷). که مفسران فریقین، معانی متفاوتی را برای آن، ذکر کرده‌اند. بدین‌رو؛ پژوهش حاضر به روش توصیفی- تطبیقی، برای پی بردن به معنای واژه «إِصْر»، نخست به واژه‌شناسی لغوی «إِصْر» و اغلال، سپس به بسامد آن دو در قرآن و تبیین ساختار ادبی و معناشناسی واژه‌ها براساس روابطه همنشینی و بررسی دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر واژه پرداخته و براساس سیاق آیات و شواهد درون متنی و برون متنی، به تحلیل دیدگاه آنها پرداخته است.

پیشینه پژوهش

جست‌وجو در پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که افزون بر تفاسیر فریقین، دو مقاله؛ شامل «صفات الرسول فی آیتین (۱۵۷-۱۵۸ سوره اعراف)» محمد سید طنطاوی (۱۴۱۱) برداشتن غل و إصرهای معنوی از زندگی انسان‌ها را نیز مورد اشاره قرار داده است. همچنین مقاله «الإِصْر و الأغلال» آیه ۱۵۷ سوره اعراف، محمد مهدی الآصفی (۱۴۲۰) آیه را به پنج بخش، تقسیم نموده: الف) النبی الامی، ب) يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، پ) يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، ت) يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ و ث) يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. تقسیم نموده و پس از بیان مختصر چهار قسمت اول

به بیان تفصیلی قسمت پنجم پرداخته است. هدف از پژوهش مهدی الآصفی، مقایسه بین سنت طاغوت و سنت انبیاء است که به باور وی طواغیت به دنبال ایجاد غل و زنجیر برای انسان‌ها هستند و در مقابل پیامبران الهی آمده‌اند تا این غل و زنجیرهای جهل و نادانی را بزایند و آگاهی و معرفت را به بشریت بیاموزند. بنابر آنچه آمد هر دو پژوهش نامبرده در یک طیف و راستا هستند، ولی هیچ کتاب یا مقاله مستقل دیگری در این زمینه یافت نشد، بدین‌رو مقاله حاضر، به روش توصیفی تحلیلی و با بیانی تطبیقی، دیدگاه مفسران شیعه و سنی را بررسی و سنجه آنها براساس سیاق، شواهد درون و برون متنی، معناشناسی براساس روابط همنشینی را پیش رو نهاده است.

۱. واژه‌شناسی «إِصْر» و «أغلال» در لغت

لغت‌شناسان «إِصْر» را به معنای حبس و آنچه در معنای حبس است، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۱۰/۱، نیز طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۶۱/۸)، تنگ شدن و گناه (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۶ / ۲۶)، میثاق و یا عهده‌ی که همراه سنگینی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۲/۴) دانسته‌اند. بدین‌سان واژه «إِصْر» دلالت بر شدت، تنگی، زحمت و ابتلا‌ی معنوی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۰۳/۱). گفتنی است واژه «إِصْر»، مصدری است که در مفرد و جمع به‌کار می‌رود و به فرموده برخی از مفسران، در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، مفید جمع است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ق: ۴۴۷/۷)

واژه‌شناسان، «أغلال» را جمع «غلّ» به‌معنای زنجیری شناسانده‌اند که به گردن (۲۹۰/؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۴۵۲ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۴۳۵/۵، قرشی، ۱۳۷۱ش: ۳) یا بر دست و پا می‌نهند و همچنین به‌معنای تشنگی آمده است (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۶۴۵). البته لسان‌العرب آن را به‌معنای «دست‌ها را به گردن زنجیر کردن و غل و زنجیرهای آهنی که در روز قیامت بر گردن‌ها بسته می‌شود.» شناسانده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۰۴/۱۱) طریحی نیز آن را عبارت از «تکالیف شاقه‌ای مانند کندن موضع نجس از پوست و لباس، سوزاندن غنائم و کار در روز شنبه که همگی حرام هستند» شناسانده که در واقع، مصادیق آن را بازگو نموده است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۴۳۵/۵). بدین‌سان واژه «أغلال» دلالت بر تکالیف مشقت بار، عادت‌های سبک، بی‌ارزش و اعمال باطله دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۰۳/۱).

۲. بسامد و کاربرد ریشه «إصر» و «غلل»

ریشه «إصر»، سه مرتبه در قرآن کریم، به صورت «إِصْرِي» (سوره آل عمران: ۸۱) به معنی «پیمان»، «إِصْرًا» (سوره بقره: ۲۸۶) و «إِصْرُهُمْ» (سوره اعراف: ۱۵۷) به معنی «سنگینی» به کار رفته است. (قرشی، ۱۳۷۵ش: ۱/ ۸۸؛ روحانی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۵/۲-۱۶۴) به نظر می‌رسد این دو معنا، با مذاقه، قابل جمع هستند؛ بدان‌رو که هر پیمان، نوعی سنگینی تکلیفی را، به همراه دارد.

ریشه «غلل»، ۱۶ مرتبه در ۱۲ سوره قرآن کریم به صورت‌های أغلال (شش مرتبه)، غِلَّ (دو مرتبه)، غَلًّا (یک مرتبه)، مَغْلُولَه (دو مرتبه)، غَلَّ (یک مرتبه)، غُلَّت (یک مرتبه)، يَغْلُ (یک مرتبه)، يَغْلُل (یک مرتبه) و فَعْلُولَه (یک مرتبه) به معنای زنجیر، افکار نادرست، سنن و رسومات ناهنجار که مانند زنجیر گریبانگیر انسان می‌شود، خیانت، هوی و هوس و... به کار رفته است. (روحانی، ۱۴۰۴ق: ۳/ ۱۰۶۲-۱۰۶۰).

۳. قرائت، و ساختار ادبی اصر

متخصصان علم قرائت، واژه «إصر» را به دو صورت مفرد و جمع، قرائت کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲/ ۲۴۳). براساس نقل طبرسی از ابوعلی: «کلمه إصر، اسم جنس است بنابراین شمولیت در مفرد و جمع دارد» ولی ابن‌عمر، آن را به صورت جمع آورده و معتقد است: «سنگینی انواع گناهان، اراده شده و بدیهی است وقتی مصدر، جمع بسته می‌شود، گوناگونی مصادیق خود را به همراه داشته باشد.» (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۳/ ۶۰۸).

نقش نحوی واژه «إصر» در آیه «وَيَصْغُ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ وَ الْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷)، همچنین در سوره بقره: ۲۸۶ و آل عمران: ۸۱، مفعول به است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۹، ۹۴؛ همان، ج ۳، ۳۳۱؛ همان، ج ۳، ۱۰۱) و همگی کاربردها، دارای ساختار [فعل + فاعل + مفعول به] هستند.

۴. معناشناسی واژه «إصر»

دستیابی به معنا از طریق هم‌نشین‌ها، یکی از ابزارهای معناشناسی است؛ کنکاش‌ها نشانگر آن است که واژه «إصر» در قرآن با واژه‌های وضع، حمل، اقرار و أخذ، هم‌نشین شده است. هم‌نشینی واژه «إصر» با «وضع» معنای «پایین آوردن و فرو نهادن اعمال سخت و طاقت‌فرسا» را افاده می‌کند؛ زیرا «وضع» در لغت به معنای «فرو نهادن و گذاشتن چیزی مثل بار بر زمین می‌باشد» و آیه «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى» (آل عمران/ ۳۶) به

خوبی تبیین‌کننده این معناست (معجم مقاییس، ۱۱۷، ۶؛ مفردات الفاظ، ص ۸۷۴؛ قاموس قرآن). همچنین هم‌نشینی «إصر» با واژه «حمل» نشان می‌دهد که «إصر» شیء، عمل یا تفکری است که به قدری سنگین است که حمل آن، بر انسان سخت است؛ زیرا واژه «حمل» - به کسر حرف نخست آن، به معنای اشیایی است که در ظاهر، و «حمل» - به فتح حرف ح، به معنای اشیایی است که در باطن، حمل می‌شود و به فرزند در شکم نیز، حمل گفته می‌شود. (مفردات، ۲۵۷؛ الافصاح ۲، ۷۷۲؛ قاموس ۲، ۱۸۲). بر این اساس؛ «إصر» چیزی است که حمل و برداشتن آن، سنگین است و فرو نهادن آن از علایق انسانی است بدین‌رو است که از خداوند، چنین خواهیم: «لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا» (بقره/ ۲۸۶) اما این فقط به یک بُعد از معنای «إصر» اشاره می‌کند؛ زیرا کلمه «إصر» در سوره آل عمران آیه ۸۱، با واژه اخذ و اقرار، هم‌نشین شده و به معنای پیمان و عهده است که یکی از ملزومات نگهداری و پابندی به آن، أخذ و اقرار به آن، می‌باشد. (لسان، ج ۵، ۸۲؛ قاموس، ج ۵، ۳۰۲) به همین جهت به ثبوت و پایداری چیزی یا کسی در امری، إقرار، گفته می‌شود (مفردات الفاظ، ۶۶۲)، در این آیه، واژه «أخذ» نیز که در هم‌نشینی اصر به کار رفته است، به معنای «حیازت کردن و به دست آوردن چیزی» است (معجم، ج ۱، ۶۸؛ مفردات، ۶۷). بر این اساس، «إصر» در مورد هر امری به کار می‌رود که به همراه خود نوعی سنگینی و ثقل دارد، ولی با توجه به بافت زبانی متفاوت، در یکی ثبوت و پایداری بر إصر و پیمان است و در دیگری، به معنای فرو نهادن و برداشتن إصر از حمل بر دوش است.

۵. دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت

بیشتر مفسران شیعی، واژه «إصر» در آیه مورد بحث (۱۵۷ اعراف) را دربرگیرنده دو معنای ۱. ثقل و سنگینی تکالیف شاقه و مشقت‌بار و ۲. گناه و ذنب و اغلب مفسران اهل سنت آن را فقط به معنای نخست دانسته‌اند که به تفصیل در ادامه آمده است:

۱-۵. ثقل و سنگینی تکالیف مشقت‌بار: بسیاری از مفسران

شیعی، معنا و مصداق واژه «إصر» را در اصل به معنای «سنگینی» گرفته (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲/ ۲۴۳) و آن را به معنای ضیق و امور طاقت‌فرسایی دانسته‌اند که در امت‌های گذشته، مخصوصاً بنی‌اسرائیل بوده و تحمل آن امور بسیار سخت و مشقت‌آمیز است. برابر گفته آنان، مقصود از اصر و أغلال، احکام دشواری است که در تورات برای بنی‌اسرائیل بیان شده و با ظهور نبی اکرم (ص) از میان

سنگینی احکام را، هدف بعثت نبی خاتم دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۳۹۸/۶).

البته برخی از مفسران، فرو نهادن اصر و فشار تکالیف طاقت‌فرسا را، به دفع احکام سخت و سنگین نیز، تفسیر کرده‌اند، بدین‌معنا که وقتی شخص تکالیف سخت را از پیامبر (ص) و جانشینانش دریافت و عمل کند، آن سنگینی، دفع و تبدیل به نشاط و سرور و سنگینی تکالیف آن نیز، به سبکی و راحتی تبدیل می‌گردد که پایین‌تر از طاقت مکلف در امت محمد (ص) است. (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق: ۴۴۵/۵).

اغلب مفسران اهل سنت نیز، با تعبیر گوناگون، مقصود از فرو نهادن اصر را، برداشتن تکالیف مشقت‌بار قوم یهود دانسته‌اند؛ ولی مصادیق آن را، متفاوت و چنین شناسانده‌اند: ۱- قصاص در قتل عمدی یا خطا، ۲- عدم قبول دیه و عفو برای قاتل، ۳- قطع عضو خطاکار، ۴- کندن و بریدن موضع نجاست (بجای شستن)، ۵- عدم قبول توبه قاتل و مجرم، ۶- احراق غنائم و خوردن آن‌ها، ۷- تحریم کار در روز شنبه، ۸- تحریم نوشیدنی‌های حلال، ۹- سخت کار کردن؛ کارهایی که می‌توان آسان انجام داد، ۱۰- عدم جواز اقامه نماز در کنیسه‌ها، ۱۱- مواخذة مسبب عملی، ۱۲- آب جزء مطهرات است، ۱۳- عدم مجاورت و هم‌نشینی با زن حائض، ۱۴- جنگیدن باهم و کشتن همدیگر و ۱۵- درآوردن چشمان گناهکار (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۳۰۸/۱۵؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۷۳؛ مهائمی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۹/۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۸۱-۸۲/۳؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۲۵۱/۳؛ قونوی، ۱۴۲۲ق: ۵۱۸-۵۲۰/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷۵/۵؛ نووی، ۱۴۱۷ق: ۴۰۰/۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱۶۵/۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۱۱/۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۳۹۰/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۹۷/۷؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴۱۷/۱ و ۴۱۸/۲ و ۴۶۴).

به نظر می‌رسد این معنا، به‌ویژه در صورت توجه به اطلاق «اصرهم» و اعم دانستن آن نسبت به همه تکالیف و مواردی که فشارآفرین و طاقت‌فرساست، از نظر قرائن درون‌متنی همانند معنای واژگان، سیاق، ساختار ادبی و معناشناسی براساس روابط هم‌نشینی، دارای استحکام مطلوبی است؛ همچنین از نظر محتوایی، مطابق دو قاعده کلی «ابتنای تکالیف بر قدرت و امکانات» (بقره، ۲۳۳، ۲۸۶، مؤمنون، ۶۲، طلاق، ۷) و «سهولت و آسانی احکام دین الهی» (وَ لَکِنْ بَعَثْنِي بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵، ۴۹۴) است تا افراد در اثر ادای وظایف دینی، دچار مشقت نشوند؛ به گفته شهید مطهری، «اسلام، به تعبیر پیامبر (ص) شریعت اسلام، سهله و سَمِیه است. در این شریعت به حکم این‌که سهله است، تکالیف دست‌وپاگیر و شاق، اصلاً وضع نشده است. سَمِحه نیز

برداشته شده است (طیب، ۱۳۶۹ش: ۴۷۸/۵؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش: ۱۰۸/۲؛ عاملی، ۱۳۸۸ق: ۲۴۳/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۴۴۷/۷).

برابر گزارش اکثر مفسران شیعه، تکالیف شاقه‌ای که در شریعت حضرت موسی (علیه‌السلام)، بر بنی‌اسرائیل الزام شده بود شامل: ۱- ۵۰ رکعت نماز در روز، ۲- روزه‌ی نصف سال، ۳- جنگ با یکدیگر برای قبولی توبه تا به آن حد که کشته شوند، ۴- تعیین قصاص در قتل عمد خطایی، ۵- بریدن موضع نجاست چه در لباس چه در بدن، ۶- قطع عضوی که در آن گناهی صادر شده است، ۷- عدم جواز تیمم به عوض غسل و وضو با آب، ۸- برگزاری نماز صرفاً در مساجد و کناس نه جای دیگر، ۹- اجتناب از زن‌ها در مدت حیض، ۱۰- کیفیت ذبایح و... بود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۴۰۶/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۳۴۲/۱؛ ابن‌ابی‌جامع عاملی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۷/۱ و ۴۶۲/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۸۰/۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۴۳۲/۸؛ ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۹۹/۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۲۰۶/۵؛ فیضی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۶/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۶۱/۸؛ امین، ۱۳۶۱ش: ۳۰۲/۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳ق: ۴۴۷/۷). زیرا سنگینی این امور طاقت‌فرسا که در تورات برعهده بنی‌اسرائیل نهاده شده بود، جزء اعتقاداتشان شد و همین امر صاحب عمل را از حرکت باز می‌داشت. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۵/۱)

براساس این تفسیر، پیامبر گرامی اسلام (ص)، آن بار گرانی که مانع حرکت یهودیان شده بود، را از میان برداشت؛ در واقع قید و بندهایی که آن یهودیان خودشان، به دلایلی برای خود درست کرده بودند؛ همانند خرافاتی که گرفتار آن بودند یا رسوم سخت و انحرافاتی که که اخبار و سران یهود و نصرانی به نفع خود در دین برای مردم درست کرده بودند و این رسوم غلط و آزاردهنده، بار سنگینی بر دوش مردم شده بود و مانند زنجیر دست و پای آن‌ها را بسته بود، با آمدن رسول گرامی اسلام (ص) برداشته شد و آن زنجیرها از هم گسست (جعفری، ۱۳۷۶ش: ۲۴۵/۴). به تعبیر تفسیر شُبر: «خداوند متعال، عهد و پیمان را از یهود گرفت تا آنچه در تورات است عمل کنند و این عهد و پیمان‌ها شامل تکالیف شاقه و گاهی بسیار سخت در قول و فعل در عبارات و شرایع بود. با آمدن حضرت محمد (ص)، بسیاری از این تکالیف سخت، سهل و آسان شد و بعضی از آن‌ها، از بین برداشته شد؛ بنی‌اسرائیل آن‌قدر در احکام عبادی و معاملات شخصی و اجتماعی سخت گرفتند. گویی وزنه بسیار سنگینی را حمل می‌کنند. گویی زنجیرهایی در گردن و دست و پاهایشان بود و مانع حرکت آن‌ها می‌شد» (شُبر، ۱۴۱۰ق: ۱۶/۵-۳). شاید به همین جهت است که برخی از مفسران، شکستن غل‌ها و زنجیرهای اسارت و سبک کردن

اللَّهِ مَغْلُولَةً» (مائده/۶۴) و ث) جارومجورر: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ» (حجر/ ۴۷) آمده است.

۷. معناشناسی واژه «اغلال»

بررسی معناشناسانه واژه «اغلال» در قرآن کریم براساس روابط همنشینی و سیاق آیات، نشان‌دهنده چهار معنا برای این واژگان می‌باشد:

۱. زنجیرهای باطنی- عاطفی؛ این واژه با دو کلمه صدور (اعراف، ۴۳، حجر، ۴۷) و قلوب (حشر، ۱۰) هم‌نشین شده است و «قلب» بر دو چیز دلالت دارد: الف) خالص و شریف بودن چیزی و ب) دگرگونی از حالتی به حالت دیگر (معجم، ج ۵، ۱۷) و کلمه «صدر» نیز بر دو چیز دلالت دارد؛ اول به معنای سینه انسان و دوم به معنای خلاف ذیل و پایین چیزی، به همین جهت «صدر مجلس، به معنای بالای مجلس می‌باشد (معجم، ج ۳، ۳۳۷). به نظر راغب اصفهانی، قلب در قرآن به معنای عقل و علم و صدر، به معنای سینه و سایر نیروهای شهوانی، هوی، هوس و خشم است (مفردات، ۴۷۷). در تعریفی دیگر نیز، صدر، قلب و نفوس یک چیز معنا شده است (قاموس، ج ۶، ۳۰). پس وقتی، کلمه «صدر» و «قلب» با «غل» هم‌نشین می‌شود، زنجیرهای باطنی، عقلی و عاطفی را افاده می‌کند و اموری همچون کج‌فهمی، برداشت‌های ناصحیح، پیروی از تفکرات اقوام و سنن منسوخ شده را شامل می‌شود که موجب شده که فرد در ناحیه عواطف و احساسات، دچار غل شده و نسبت به اندیشه‌های نادرست خود، حب و بغض داشته باشد. همچنین برداشتن حقد، کینه و کدورت از سینه بهشتیان در آیه ۴۳ سوره اعراف و آیه ۴۷ سوره حشر: (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) به معنای فشار و زنجیر باطنی است.

۲. غل و زنجیرهای ظاهری: هم‌نشینی این واژه با سه کلمه أعناق، (غافر، ۷۱، یس، ۸، سبأ، ۳۳، رعد، ۵) أذقان، (یس، ۸) و سلاسل (انسان، ۴، غافر، ۷۱) نشان می‌دهد که معنای ظاهری مراد است زیرا کلمه «اغلال» در لغت یعنی زنجیر مراد است که بر «أعناق» به معنای گردن تا «أذقان» به معنی چانه (معجم، ج ۲، ۳۵۷؛ قاموس، ۳، ۱۴) نهاده می‌شود و همراه شدن «سلاسل» به معنای زنجیر (قاموس، ۳، ۲۸۹) نیز همگونی معنای اغلال با سلاسل و معنای زنجیر ظاهری را می‌رساند. بررسی آیات سوره‌های نباء: ۳۳، غافر: ۷۱، حاقه: ۳۰ و انسان: ۴، نشان می‌دهد که «اغلال» در مواردی که با این کلمات هم‌نشین شده اشاره به

به معنای باگذشت است، هر جا که انجام تکالیف، توأم با مضیقه و در تنگنا شدن واقع گردد، آن تکلیف ملغی می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۴۱/۲). بدین‌سان چنانچه حکمی از احکام اسلامی به دلیل شرایط خاص، سبب مشقت برای فردی گردد، آن حکم در مورد آن شخص، برداشته می‌شود: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶) (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (طلاق، ۷) لذا در دین اسلام حکمی که سبب مشقت گردد به طور کلی تشریع نشده و نخواهد شد، (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ) (حج: ۷۸)؛ بلکه دین اسلام و برنامه مکتب قرآن براساس تصدیق پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته است. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱۷۰).

۳-۵. **ذنب و گناه:** برخی از مفسران شیعی، معنا و مصداق دیگری برای واژه «إصر» ذکر کرده‌اند و آن، گناه و «ذنب» است. آن‌ها مراد از «إصر» را در این معنی، بر گناه خاص؛ یعنی گناهایی که قبل از شناخت امام و فضائل امام انجام گرفته است، منطبق ساخته‌اند. (بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۷۱/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۵۹۴/۲) و راز آن را این دانسته‌اند که پس از شناخت فضایل امام، «ذنب» و گناهان گذشته نسبت به امام، رفع می‌گردد (بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۷۱/۲؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۵؛ جزایری، ۱۳۸۸ش: ۲۱۱/۲).

به نظر می‌رسد دیدگاه مفسران پیش‌گفته که «إصر» را به ذنب و گناه، البته گناه خاص «عدم شناخت امام و پیامبر» معنا کرده‌اند و فرو نهادن آن را ابلاغ پیامبر و معرفت یافتن مردم، شناسانده‌اند که این گناه پس از شناخت آن پیشوایان، رفع می‌شود، نوعی تطبیق و مصداق‌شناسی است که آثار فعل پیامبر در تبلیغ آموزه‌های وحی الهی را گزارش می‌کند. این معنا با سیاق آیه و جملات پیشین آیه؛ (يَا مُرْهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجَلِّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثِ) و معناشناسی مفردات براساس روابط هم‌نشینی؛ از هماهنگی کمتری با شواهد و قرائن، نسبت به دیدگاه نخست برخوردار است، ولی بیان یکی از مصادیق یا تأویل آیه است.

۶. قرائت، و ساختار ادبی اغلال

در دانش قرائت، واژه «اغلال» به یک وجه قرائت شده است و از نظر ساختار ادبی، ریشه «غلل» در قرآن کریم دارای پنج صورت و نقش نحوی؛ الف) فعل (ماضی و مضارع): «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ» (آل عمران/ ۱۶۱)، ب) مفعول به: «وَوَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/ ۱۵۷)، پ) مبتدا: «إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَ السَّلَاسِلُ» (غافر/ ۷۱)، ت) خبر: «وَوَقَّالَتِ الْيَهُودُ يَدُ

۸. دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت

مفسران شیعه در معنایابی واژه «أَغْلَال» در قرآن به پنج معنا اشاره کرده‌اند؛ ولی همه مفسران اهل سنت، فقط دیدگاه نخست را برگزیده‌اند، اما مفسران شیعی، افزون بر آن، چهار دیدگاه دیگر نیز ابراز داشته‌اند:

۸.۱. تکالیف طاقت‌فرسا: از دیدگاه همه مفسران اهل سنت

«أَغْلَال» صرفاً به معنای غل و زنجیری که دست و پای انسان را می‌بندد و تنها مصداق آن، همان تکالیف شاقه‌ای است که در تبیین معنای «إِصْر» بیان گردید؛ همان تکالیف طاقت‌فرسایی که در این آیه، غل و زنجیره، نامیده شده است. بر این اساس، «أَغْلَال» به معنای حقیقی به کار رفته است نه تمثیل. به گفته این مفسران، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با بیان معارف مبین اسلام انسان را از غل و زنجیرهایی که مانع رسیدن انسان به سعادت است، رها می‌سازد و این قدرت عظیم رهاسازی بشر از تمام موانع، نشانه نبوت و خاتمیت ایشان می‌باشد. بدین‌سان برابر آیه، این «أَغْلَال»، با نور هدایت پیامبر که جامع و مانع است، از بین می‌رود (طبری، ۱۴۱۲ق: ۸۵/۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸ م: ۲۰۰/۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۱/۱۵؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۷۳؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۲۵۳/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷۸/۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱۶۵/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۱۰/۸ و ۳۱۸؛ ابوحزمه ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۶۰/۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۳۹۴/۵؛ جزایری، ۱۴۱۶ق: ۲۴۶/۲؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۷۶۰/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۰/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۹۸/۷ و ۲۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱۶۶/۲ و ۱۶۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴۶۴/۲).

دقت در تفسیر اهل سنت روشن می‌سازد که گرچه همگان اغلال را به معنای تکالیف شاقه بنی‌اسرائیل دانسته‌اند، ولی آنها در برشمردن مصادیق و تبیین معنای «أَغْلَال» یا آن تکالیف را همانند غل و زنجیر، شناسانده‌اند که معنای تمثیلی اغلال است و یا در ذکر مصادیق این تکالیف مشقت‌بار، فقط بستن دست‌ها به گردن به وسیله آهن یا غیر آهن، سوراخ کردن ترقوه مردان برای رد کردن زنجیر که یکسر زنجیر به گردن (جانی، اسیر و...) وصل است و سر دیگر زنجیر به دست نگهبان است تا موجب حبس شخص از عبادت می‌شود، را ذکر کرده‌اند که در آن صورت، معنای حقیقی واژگان، ارائه شده است. در هر صورت، این معنا، دقیقاً همان معنایی است که توسط آن‌ها برای واژه اصر ذکر شده بود و در نتیجه «أَغْلَال»، در این آیه، واژه‌ای مترداف اصر و تأکیدی بر همان معنا تلقی شده است که با اصل اقتصاد کاربرد واژگان و مبنای عدم تکرار در الفاظ قرآن، ناسازگار است و تفاوت معنای واژگانی اغلال و اصر نیز آن را تضعیف می‌کند.

گفتنی است تعداد اندکی از مفسران شیعی نیز، به این دیدگاه گراییده‌اند به عنوان نمونه صاحب مجمع‌البیان، می‌گوید: خداوند تکالیف

مواقف قیامت و عذاب کافران است؛ البته برخی آیه «أَوَّلِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ» (رعد: ۵) علی‌رغم همنشینی با أعناق، به تفکرات غلط، کفرآمیز و هوی و هوس‌ها، تطبیق داده‌اند. کلمه «اعناق»، جمع عنق به معنای گردن و عضوی است که سر را به بدن وصل می‌کند (معجم، ج ۶، ۱۶۰؛ مفردات، ۵۹۰) در «التحقیق» آمده؛ زمانی که گردن دارای غل و زنجیر باشد از جهت حرکت و آزادی انسان در محدودیت است و از این شدیدتر زمانی است که غل و زنجیر روحی-روانی باشد و باعث مخدوش سازی و ناتوانی در تشخیص حق و باطل می‌شود (التحقیق، ج ۸، ۲۹۲).

۳. تکالیف سخت: با عنایت به همنشینی دو تعبیر حلیت و حرمت در جملات پیشین آیه؛ (وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ)، «أَغْلَال» تکالیف و بارهای اضافی سنگینی است که یهودیان بنابر سخنان احبار و بزرگان خود، وضع کرده بودند و یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم آن بود که این بارهای سنگین و اضافی را از دوش آنان بردارد و فرو نهد.

۴. کنایه از نفی قدرت و امساک: با عنایت به همنشینی واژه اغلال با بسط و مبسوطه در برخی آیات همچون «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (مائده/۶۴) که به همراهی ید و در مورد خداوند به کار رفته است، نشانگر آن است که گرچه کلمه «ید» از نظر لغوی و استعمال حقیقی، به معنای عضو مخصوصی از بدن انسان و حیوان می‌باشد (معجم، ج ۶، ۱۵۱؛ مفردات، ۳۶۲)، ولی در کاربرد اصطلاحی به معنای قوت و نیرو نیز هست (معجم، ج ۶، ۱۵۱) چنان‌که کاربرد اغلال با همنشینی واژه ید و اعناق در مورد پیامبر: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (إسراء/۲۹)، کنایه از امساک و بخل است؛ زیرا در مقابل ید مبسوطه قرار دارد. (قاموس، ج ۷، ۳۱۶). چون کلمه «بسط» به معنای گسترش و توسعه چیزی است. (معجم، ج ۱، ۲۴۷؛ قامسو، ۱، ۱۹۱) و ید بسیط به کسی گفته می‌شود که دارای انفاق، بخشش و عطا است. (التحقیق، ج ۱، ۲۹۱؛ مفردات، ۱۲۲).

بدین‌سان باتوجه به آنچه ذکر شد کلمه «ید»، در آیه نخست استعاره از قدرت و نیرو و «بسط» به معنای بسط قدرت حق و شمول و گستردگی آن در همه امور و انفاق و بخشش است و مراد یهودیان، مبنی بر بسته بودن دست خدا، ناتوانی و عدم قدرت در ارائه نعمت است و در آیه بعدی نیز کنایه از بسته بودن دست در انفاق و عدم بخشش و انفاق است.

۸.۵. زنجیرهای هوا و هوس: برخی از مفسران شیعی، اغلال را به زنجیرهای هوس، تطبیق داده‌اند؛ به گفته آنان اغلال، همان زنجیرهایی است که ناشی از هواهای مختلف متکثر، بر گردن اشخاص بود و مکلفین را از حرکت به سوی ولی امرشان، منع می‌کرد؛ زیرا که برای هریک از هواها، زنجیری است که مانع از حرکت می‌شود، ولیکن انسان مادام که در دنیا است آن زنجیر را نمی‌بیند، مگر کسی که خداوند دو چشمش را باز کرده و درحالی که در دنیا است از اصل آخرت آگاه گشته است. (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق، ۴۴۵/۵) به تعبیر قرشی: «سختی‌هایی که بر بنی‌اسرائیل بود یعنی شریعت و قوانینی که برای خود وضع کردند و آنچه را می‌خواستند حلال کردند و آنچه را نمی‌خواستند حرام و آنچه را که هوای نفسشان دوست داشت نزدیک و آنچه را که دوست نداشتند، دور کردند. این‌ها همان بندهایی است که خودشان وضع کردند و جانشان را به آن در بند کردند. اگر آنان از سخنان بدعت‌آمیزشان و گمراهی‌هایشان رها می‌گشتند شریعت حق را که بر موسی (علیه‌السلام) نازل شد، پیروی می‌کردند و یا شریعتی را که بعد از او بر پیامبر نازل شد، پیروی می‌کردند و عمل می‌نمودند بر گردنشان بند و غل هواهای نفسشان نبوده و بند شرهای آن‌ها و شر نفسشان، عقلشان را احاطه نمی‌کرد و در دنیا و آخرت به خاطر بندی که در پا داشتند آهسته گام بر نمی‌داشتند. بدعت‌هایی که به وسیله علمای دنیاپرست یهود جعل و در دین داخل شده و زندگی را بر مردم تنگ کرده و به حکم زنجیرهایی در گردن و بارهای سنگین بر دوش بنی‌اسرائیل بود، نظیر احکام حیض و... آن‌ها در تورات و انجیل می‌یافتند که رسول این حرام‌ها و بدعت‌ها را از بین خواهد برد. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش: ۱۷/۴).

به نظر می‌رسد دیدگاه مفسران شیعی در تبیین معنای کلمه «اغلال» و برشمردن مصداق آن‌ها، با قرائن درون‌متنی آیه همانند تفاوت معنایی و مصداقی اصر و اغلال، معناشناسی این واژه براساس روابط همنشینی در ۱۶ آیه قرآن، سیاق آیه، اصل عدم تکرار و لزوم و افاده معنایی افزون‌تر، همچنین اطلاق واژه اغلال و کاربست صیغه جمع و عمومیت آن‌که همه موارد مذکور در بیانات آن‌ها را شامل می‌گردد و پیامبر (ص)، امت اسلامی را از همه آن زنجیرها، رها نموده است، سازگاری افزون‌تری دارد. گفتن این نکته لازم است که همه مفاهیم و موارد پیش‌گفته در مورد اغلال در دیدگاه مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعی، همه جنبه تمثیلی و مصداقی دارند، چراکه همانند غل و زنجیرهایی هستند که به پای روح و باطن آدمی بسته شده و او را از حرکت به سوی

شاقه را به بار سنگین تشبیه کرده است؛ زیرا توبه بنی‌اسرائیل این بوده که یکدیگر را بکشند و توبه مسلمانان، به احترام پیامبر اسلام این است که قلباً نادم شوند تا این عهدهای سنگین از دوش آن‌ها برداشته شود (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۸۰/۱۰، نیز سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ق: ۴۴۴/۵).

۸.۲. امتحانات زنجیرگون بنی اسرائیل: برخی از مفسران شیعه، منظور از غل‌ها را همان امتحانات پی‌درپی دانسته‌اند که برای بنی‌اسرائیل پیش آمد. به‌عنوان نمونه، برای اینکه توبه آن‌ها پذیرفته شود، باید یکدیگر را می‌کشتند و یا اگر نقطه‌ای از بول با بدنشان اصابت می‌کرد، باید آن نقطه را می‌بردند و می‌چیدند. حرمت صید روز شنبه، حرمت رگ و پیه و قطع عضو فردی که خطا می‌کند، از دیگر مصداق چنین اعمالی است. (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۳۴۰/۲).

۸.۳. بدعت‌ها و تفسیر به رأی‌ها: بعضی از مفسران «اغلال» را آن سخنانی دانسته‌اند که شخص از پیش خود و طبق نظر خود، بدون در نظر گرفتن امر و دستور خدا و امام، بیان می‌دارد و البته زمانی که امام و فضیلت امام را شناخت، دست از نظرات شخصی خود برمی‌دارد و خداوند گناهان قبلی شخص را می‌بخشد (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۵۹۴/۲، جزایری، ۱۳۸۸ش: ۲۱۱/۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۷۱/۲).

۸.۴. موانع فهم و درک فیوضات: برخی از مفسران شیعی، همچون طبرسی، جرجانی و طیب، «اغلال» را جمع «غل» به‌معنی جلوگیری از فهم و درک فیوضات شناسانده‌اند (طیب، ۱۳۶۹ش: ۳۳۴/۵) و بسیاری از آن‌ها ریشه این امر را در عملکرد قوم بنی‌اسرائیل در برابر احکام الهی دانسته‌اند؛ چون در شریعت بنی‌اسرائیل ۲۰ امر حرام بود و چنان این امور سنگینی می‌کردند که مانع از رسیدن به فهم و ادراک فیوضات می‌شد. گویا این احکام و تکالیف شاقه، مانند غل و زنجیرهای آهنی دست‌های آن‌ها را به گردن وصل کرده به‌طوری که شخص قادر به حرکت نیست و نمی‌تواند به فیوضات عالی‌ه دست پیدا کند. برخی از تکالیف شاقه که یهود به آن مبادرت می‌ورزیدند عبارت بودند از: ۱- سوزاندن غنائم، ۲- سوزاندن رگ‌های موجود در گوشت، ۳- تحریم کار در روز شنبه، ۴- سوراخ کردن ترقوه و رد کردن زنجیر آهنی، ۵- حبس کردن خود در عبادت (پشت سر هم عبادت کردن)، ۶- وجوب قصاص و عدم قبول دیه. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۵/۱ و ۴۷۵/۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش: ۱۲۴/۴؛ ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۶۰۲/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۶۱/۸؛ امین، بی‌تا: ۳۰۲/۵؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق: ۲۲۱/۳؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۴۷۸/۵؛ ابن ابی‌جامع عاملی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۷/۱؛ جعفری، ۱۳۷۶ش: ۲۴۲/۴ و ۲۴۵؛ سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲ش: ۱۷۰)

می‌توان به چهار معنا دست یافت: الف) غل و زنجیرهای باطنی- عاطفی به دلیل همنشینی با واژه‌های صدور و قلوب ب) غل و زنجیرهای ظاهری به دلیل همنشینی با اعناق، اذقان و سلاسل ج) برداشتن تکالیف سخت به دلیل همنشینی با حلیت و حرمت و وضع د) کنایه از قدرت، به دلیل همنشینی با ید و مبسوط و کاربرد آن در مورد خداوند و کنایه از عدم گشادگی دست در انفاق به دلیل همنشینی با ید و اعناق و بسط و کاربرد آن در مورد پیامبر (ص).

۴. بیشتر مفسران شیعی «إصر» را به معنای ثقل و سنگینی تکالیف مشقت‌بار و همه مفسران اهل سنت نیز آن را به همین معنا دانسته‌اند ولی مصادیق آن را مختلف ذکر کرده‌اند، ولی برخی مفسران شیعی آن را به معنای گناه و ذنب نیز شناسانده‌اند. دقت در شواهد درون و برون‌متنی نشان می‌دهد معنای نخست که برخلاف تفاوت ظاهری تعبیر مفسران فریقین، مورد اتفاق فریقین است، به صحت نزدیک‌تر است و معنای دوم از قبیل ذکر مصداق یا تأویل است.

۵. در تفسیر واژه «أغلال»، مفسران اهل سنت تنها یک معنای «تکالیف شاقه بنی‌اسرائیل» را ذکر کرده‌اند ولی مفسران شیعی، افزون بر این معنا، چهار معنای دیگر؛ «موانع فهم و درک فیوضات»، «امور بدعت‌گون و تفسیر به رأی»، «تکالیف و امتحانات زنجیرگون بنی‌اسرائیل» و «زنجیر هوا و هوس‌ها» را پیش‌رو نهاده‌اند که به باور نگارندگان این پژوهش، با اصل اقتصاد کاربرد واژگان و مبنای عدم تکرار در الفاظ قرآن و توجه به تفاوت معنای و مصداقی این دو واژگان، سازگاری بیشتری دارد؛ بر این اساس، همگون و مترادف‌انگاری معنا و مصادیق «إصر» و «أغلال» در تفاسیر اهل سنت که إصر را به معنای سنگینی تکالیف مشقت‌بار بنی‌اسرائیل و إغلال را نیز زنجیرگونی همان تکالیف سخت بنی‌اسرائیل شناسانده‌اند، نمی‌تواند از مقبولیت، برخوردار باشد.

کمال بازمی‌دارند. به نظر نگارندگان، ذکر این موارد تمثیلی و مصداقی و صرف‌نظر از ذکر معنای حقیقی واژگان، از یک‌سو به دلیل انتساب ویژگی رهاسازی از اغلال به پیامبر(ص) و اطلاق و گستردگی دایره آن و از سوی دیگر عدم ابتلای یهودیان معاصر آن حضرت به مصادیق مذکور، بوده است که به عنوان شاهد برون‌متنی، مورد توجه مفسران شیعی قرار گرفته است و معنای دیگری برای اغلال برشمرده‌اند. به همین جهت برخی از مفسران معاصر شیعی به صراحت اظهار داشته‌اند که در این آیه، معنای حقیقی واژه اغلال، نمی‌تواند مراد باشد؛ بلکه همه معنای و مصادیق تمثیلی را شامل می‌شود و نمی‌توان گستره آن را فقط به تکالیف شاقه منحصر ساخت؛ بدان‌رو که آیه در مقام امتنان و ذکر ویژگی‌های ممتاز رسول خاتم است، که شامل همه آن موارد، بلکه شامل موارد دفع همه زنجیرهای محتمل در تشریع می‌شود که با آزادی انسانی او منافات دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳ق: ۷ / ۴۴۷).

نتیجه‌گیری

از مباحث پیش‌گفته می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. واژه «إصر» از نظر لغوی به معنای گناه، سنگینی و پیمان و واژه «أغلال» به معنای غل و زنجیر، تکالیف مشقت‌بار و بی‌ارزش معنا شده است. از نظر ساختار ادبی، واژه «إصر» و مشتقاتش سه مرتبه در نقش مفعول به و واژه «أغلال» و مشتقاتش ۱۶ مرتبه در نقش‌های فعل، مفعول به، مبتدا، خبر و جار و مجرور آمده است.
۲. از نظر معناشناسی، چون در قرآن واژه «إصر»، با کلمات وضع، حمل، اقرار و أخذ، هم‌نشین شده است، دارای دو بعد معنایی است؛ زیرا از هم‌نشینی إصر با وضع و حمل، می‌توان دریافت که معنای إصر آن تکالیفی است که حمل و برداشتن آن سنگین است و فرو نهادن آن از علایق انسانی است و به دلیل هم‌نشینی با اخذ و إقرار، به معنای ثبوت و پایداری در پیمان است. از بررسی معناشناسانه واژه «أغلال» براساس روابط هم‌نشینی،

References

- The Holy Quran
 Abu al-Futuh Razi, Husayn ibn Ali. (1987). *Rawd al-Janan wa Ruh al-Janan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 8). Edited by Nasih, Muhammad Mahdi, and Yahaqi, Muhammad Ja'far. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
 Abu al-Su'ud, Muhammad ibn Muhammad. (1983 CE). *Tafsir Abi al-Su'ud (Irshad al-Aql al-Salim ila Maza al-Quran al-Karim)* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

- Abu Hamzah Thumali, Thabit ibn Dinar. (1999). *Tafsir al-Quran al-Karim (Thumali)* (Vol. 5). Compiled by Harz al-Din, Abd al-Razzaq Muhammad. Beirut: Dar al-Mufid.
 Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf. (1999). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Fikr.
 Abu Zahrah, Muhammad. (No Date). *Zahrat al-Tafasir* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Fikr.

- Al-Ghazi, Abd al-Qadir. (1962). *Bayan al-Ma'ani* (Vol. 5). Damascus: Al-Taraqqi Printing Press.
- Alusi, Mahmud ibn Abdullah. (1994). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Amili, Ibrahim. (2009). *Tafsir Amili* (Vol. 4). Tehran: Sadouq Bookstore.
- Amin, Nasrat Begum. (1982). *Tafsir Makhzan al-Irfan dar Tafsir-e Quran* (Vol. 5). Isfahan: Research and Publishing Institute of Ahl al-Bayt (AS).
- Armi Alawi, Muhammad Amin ibn Abdullah. (No Date). *Tafsir Hada'iq al-Ruh wa al-Rihan fi Rawabi Ulum al-Quran* (Vol. 10). Beirut: Dar Tawq al-Najat.
- Ashkuri, Muhammad ibn Ali. (1994). *Tafsir Sharif Lahiji* (Vol. 2). Tehran: Daftar-e Nashr-e Dad.
- Astarabadi, Ali. (1988). *Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fada'il al-Itrah al-Tahirah*. Researched by Ustad Wali, Husayn. Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-Ilmiyyah, Islamic Publishing Institute.
- Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (1994). *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 2). Qom: Mu'assasat al-Bi'tha, Islamic Studies Department.
- Baq'a'i, Ibrahim ibn Umar. (2006). *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar* (Vol. 3, 3rd Edition). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Baydawi, Abdullah ibn Umar. (1997). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Tafsir al-Baydawi)* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Borujerdi, Muhammad Ibrahim. (1987). *Tafsir Jami'* (Vol. 2). Tehran: Sadr Library.
- Bustani, Fuad Afram. (1996). *Farhang-e Abjadi* (2nd Edition). Tehran: Islami.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. (1999). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)* (Vol. 15, 3rd Edition). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fayumi, Ahmad ibn Muhammad. (1993). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i* (2nd Edition). Qom: Dar al-Hijrah Institute.
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza. (1994). *Tafsir al-Safi* (Vol. 2, 2nd Edition). Tehran: Sadr Library.
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza. (1997). *Al-Asfi fi Tafsir al-Quran* (Vol. 1). Researched by Islamic Sciences and Culture Research Center (Islamic Propagation Office). Qom: Islamic Media Office Publishing Center.
- Fayzi, Abul-Fayz ibn Mubarak. (1996). *Sawa'iq al-Ilham fi Tafsir Kalam al-Malik al-Allam* (Vol. 2). Qom: Dar al-Manar.
- Haqqi Bursevi, Ismail ibn Mustafa. (No Date). *Tafsir Ruh al-Bayan* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Abd al-Salam, Abd al-Aziz ibn Abd al-Salam. (2008). *Tafsir al-Izz ibn Abd al-Salam* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman ibn Muhammad. (1998). *Tafsir al-Quran al-Azim (Ibn Abi Hatam)* (Vol. 3, 3rd Edition). Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz.
- Ibn Abi Jami' Amili, Ali ibn Husayn. (1992). *Al-Wajiz fi Tafsir al-Quran al-Aziz* (Vols. 1-2). Researched by Mahmudi, Malik. Qom: Dar al-Quran al-Karim.
- Ibn Adil, Umar ibn Ali. (1998). *Al-Lubab fi Ulum al-Kitab* (Vol. 9). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Ajibah, Ahmad. (1998). *Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Quran al-Majid* (Vol. 2). Cairo: Hasan Abbas Zaki.
- Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman ibn Ali. (2001). *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Arabi, Muhammad ibn Abdullah. (1987). *Ahkam al-Quran (Ibn Arabi)* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Jil.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1999). *Tafsir al-Tahrir wa al-Tanwir al-Ma'ruf bi Tafsir Ibn Ashur* (Vol. 8). Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi.
- Ibn Atiyyah, Abd al-Haq ibn Ghalib. (2001). *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris. (1983). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (Vol. 1). Researched by Harun, Abd al-Salam Muhammad. Qom: Maktab al-A'lam al-Islami.
- Ibn Ha'im, Ahmad ibn Muhammad. (2002). *Al-Tibyan fi Tafsir Gharib al-Quran*. Researched by Muhammad, Dahi Abd al-Baqi. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
- Ibn Juzayy, Muhammad ibn Ahmad. (1995). *Al-Tashil li Ulum al-Tanzil* (Vol. 1). Beirut: Sharikat Dar al-Arqam ibn Abi al-Arqam.
- Ibn Kathir, Ismail ibn Umar. (1998). *Tafsir al-Quran al-Azim (Ibn Kathir)* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Khalawayh, Husayn ibn Ahmad. (1992). *I'rab al-Qira'at al-Sab' wa 'Ilaliha* (Vol. 1). Cairo: Maktabat al-Khanji.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1993). *Lisan al-Arab* (Vols. 4 & 11, 3rd Edition). Beirut: Dar Sader.

- Ibn Mulqin, Umar ibn Ali. (1987). *Tafsir Gharib al-Quran (Ibn Mulqin)*. Beirut: Alam al-Kutub.
- Ibn Qutaybah, Abdullah ibn Muslim. (1990). *Tafsir Gharib al-Quran (Ibn Qutaybah)*. Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal.
- Ibyari, Ibrahim. (1995). *Al-Mawsu'ah al-Quraniyyah* (Vol. 9). Cairo: Mu'assasat Sijil al-Arab.
- Iji, Muhammad Abd al-Rahman. (2003). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Iji)* (Vol. 9). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ja'fari, Ya'qub. (1997). *Tafsir Kawthar* (Vol. 4). Qom: Mu'assasat Intisharat Hijrat.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1383 SH). *Tafsir Tasnim* (Vol. 7). Qom: International Publishing Center of Isra.
- Jaza'iri, Abu Bakr Jabir. (1995). *Aysar al-Tafasir li Kalam al-Ali al-Kabir* (Vol. 2). Medina: Maktabat al-Ulum wa al-Hikam.
- Jaza'iri, Ni'matullah ibn Abdullah. (2009). *Uqud al-Marjan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 2). Qom: Noor-e Wahy.
- Karami, Muhammad. (1981). *Al-Tafsir for the Book of Allah Al-Munir* (Vol. 3). Qom: Elamieh (printing house).
- Kashani, Fethullah bin Shukrullah. (2002). *Zubadah al-Tafaseer* (Vol. 2). Researcher of Islamic Education Foundation. Qom: Islamic Encyclopaedia Foundation.
- Kashani, Muhammad Bin Morteza. (1989). *Tafsir al-Mu'in* (c. 1). Mohaghegh Dargahi, Hossein. Qom: Public Library of Hazrat Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA).
- Kashfi, Hussein bin Ali. (Beta). *Tafsir Hosseini (Mohabeh Alliya)*. Saravan: Noor bookstore.
- Koleyni, Muhammad bin Yaqoob bin Ishaq. (1986). *Dar al-Kitab al-Salamieh*, 4th edition, Iran.
- Mahmaei, Ali bin Ahmad. (1982). *Tafsir al-Qur'an al-Masmi, Tafsir al-Rahman and Taysir al-Manan* (Vol. 1) (second edition). Beirut: Alem Kitub.
- Makarim Shirazi, Nasser and a group of writers. (1992). *Tafsir sample (C6)* (10th edition). Tehran: Islamic Books Dar.
- Menhaj al-Sadiqin in the obligation of the opponents (c. 4). Tehran: Islamic bookstore.
- Meybodi, Ahmed bin Muhammad. (1992). *Kashf al-asrar wa idata al-Abrar* (known as interpretation of Khaja Abdullah Ansari) (Vol. 3) (5th edition). Tehran: Amir Kabir.
- Moghnieh, Muhammad Javad. (2003). *Al-Tafsir al-Kashif* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Morteza Zubeydi, Muhammad bin Muhammad. (1993). *Taj al-Arus min Jawaher Al-Qamoos* (Vol. 6). Researcher/corrector Shiri, Ali. Beirut: Dar al-Fakr.
- Mottahari, Morteza. (1997). *Collection of works* (Vol. 2) (7th edition). Qom: Sadra Publications.
- Mustafavi, Hassan. (2009). *Investigation of the words of the Holy Qur'an* (Vol. 1) (Third Edition). Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya, publishing center of Allameh Mostafavi's works.
- Nowi, Muhammad. (1996). *Merah Labid le kashf Maani Al-Qur'an al-Majid* (Vol. 1). Dar al-Ketab al-Elamiya
- Qara'ati, Mohsen. (2009). *Tafsir Nur* (Vol. 1). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
- Qarshi Bina'i, Ali Akbar. (1996). *Tafsir Ahsan al-Hadith* (Vol. 4, 2nd Edition). Tehran: Ba'ath Foundation, Printing and Publishing Center.
- Qasimi, Jamal al-Din. (1997). *Tafsir al-Qasimi al-Musamma Mahasin al-Ta'wil* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Muhammad Ali Baydoun Publications.
- Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza. (1989). *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib* (Vol. 5). Researched by Dargahi, Husayn. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1984). *Tafsir al-Qummi* (Vol. 1, 3rd Edition). Researched by Musawi Jaza'iri, Tayyib. Qom: Dar al-Kitab.
- Qunawi, Ismail ibn Muhammad. (2001). *Hashiyat al-Qunawi ala Tafsir al-Imam al-Baydawi wa Ma'ahu Hashiyat Ibn al-Tamjid* (Vol. 8). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1985). *Al-Jami' li Ahkam al-Quran* (Vol. 7). Tehran: Nasir Khosrow.
- Qushayri, Abd al-Karim ibn Hawazin. (2000 CE). *Lata'if al-Isharat: Tafsir Sufi Kamil lil-Quran al-Karim* (Vol. 1, 3rd Edition). Cairo: Egyptian General Book Organization.
- Sabzawari, Muhammad. (1985). *Al-Jadid fi Tafsir al-Quran al-Majid* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.
- Sadeqi Tehrani, Muhammad. (1998). *Al-Balagh fi Tafsir al-Quran bi al-Quran*. Qom: Maktabat Muhammad al-Sadeqi al-Tehrani.
- Shabr, Abdullah. (1989). *Tafsir al-Quran al-Karim (Shabr)* (Vol. 5, 2nd Edition). Qom: Mu'assasat Dar al-Hijrah.
- Shaykhzadeh, Muhammad ibn Mustafa. (1998). *Hashiyat Muhyi al-Din Shaykhzadeh ala Tafsir al-Qadi al-Baydawi* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Shu'rani, Abu al-Hasan. (2007). *Pazhuhesh-ha-ye*

- Qurani-ye Allamah Shu'rani dar Tafasir-e Majma' al-Bayan, Ruh al-Janan wa Minhaj al-Sadiqin* (Vol. 2, 2nd Edition). Researched by Ghiyathi Kermani, Muhammad Reza. Qom: Islamic Propagation Office Publications, Qom Seminary.
- Sultan Ali Shah, Sultan Muhammad ibn Haydar. (1987). *Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah* (Vol. 5, 2nd Edition). Edited by Riyazi, Hashmatullah. Beirut: Al-A'lami Institute for Publications.
- Tabarani, Sulayman ibn Ahmad. (2008 CE). *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azim (al-Tabarani)* (Vol. 3). Jordan: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1991). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Tafsir al-Tabari)* (Vol. 6). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 10, 3rd Edition). Edited by Yazdi Tabatabai, Fadlullah, and Rasuli, Hashim. Tehran: Nasir Khosrow.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1991). *Tafsir Jawami' al-Jami'* (Vols. 1 & 7). Edited by Gurji, Abul-Qasim. Qom: Qom Seminary, Management Center.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 8, 2nd Edition). Beirut: Al-A'lami Institute for Publications.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (2006). *Tafsir al-Bayan fi al-Muwafaqah bayn al-Hadith wa al-Quran*. Researched by Iradati, Asghar (Vol. 9). Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at.
- Tantawi, Muhammad Sayyid. (1997 CE). *Al-Tafsir al-Wasit lil-Quran al-Karim* (Vol. 5). Cairo: Nahdat Misr.
- Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (1996). *Majma' al-Bahrain* (Vol. 5, 3rd Edition). Researched by Husayni Ashkuri, Ahmad. Tehran: Mortazavi.
- Tayyib, Abd al-Husayn. (1990). *Atiyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 5, 2nd Edition). Tehran: Islam.
- Tha'labi, Abd al-Rahman ibn Muhammad. (1997). *Tafsir al-Tha'labi al-Musamma bi al-Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar. (1986). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil* (Vol. 2, 3rd Edition). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.